

# تسخیر جاسوسخانه آمریکا گامی بود در جهت تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن

صفحه ۲

### فیلم «مذاکرات محرمانه» درباره «مسأله گروگانها» را تهیه و از تلویزیون پخش کنید!

تشریح «امت» در شماره مورخ ۱۳ بهمن ۵۹ خود، از فیلم مستندی سخن میگوید که از شبکه تلویزیونی «ای. بی. سی» آمریکا پخش شده و در آن «مذاکرات محرمانه» برخی شخصیت‌های ایرانی با مقامات آمریکائی در مورد مسأله جاسوسان آمریکائی افشا شده است.

در این فیلم از مذاکرات پنهانی و محرمانه صادق قطب‌زاده با فرستاده ویژه کارتر، «میلتون چرچ» در تیرماه ۱۳۵۹ و نیز از ملاقاتهای پنهانی صادق

بقیه در صفحه ۲

از اسناد افشا شده توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:

## ما میخوایم بازرگان را قدرت دهیم

«چگونه روابط نظامیان را توسعه دهیم. ایرانیها در مورد سپردن مالشان در مقابل فروشهای نظامی سوختن دارند. آنها به قطعات یدکی و حفاظت تکنیکی نیازمندند، ولی برای مسائل سیاسی مترسند که از ما تقاضا کنند ما می خواهیم متولاه بر روی مسائل نظامی کار کنیم تا اینکه بازرگان را قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکنست در مضامین سیاسی مملکت راهگشا باشند.»

(اتفاکریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، شماره ۳، صفحه ۶۸)

راه آمریکا از طریق اروپای غربی

«آماده برای تحویل قطعات یدکی دستگاههای قبلی که ارزششان از صلیون دلار کمتر است، بشد و اگر ایران مایل بود قطعات یدکی را از مجاری دیگری تامین کند، اجازت دهید که از کشورهای دوست و بیشتر جهان سود مثل ایتالیا قطعات یدکی هلیکوپتر را تامین کنند.»

(اتفاکری شماره ۳، صفحه ۶۸)

تگرانی آمریکا از تلاش برای ملی کردن بازرگانی خارجی

«کوشش دولت را برای ملی کردن تجارت‌های خصوصی و جریانات تولیدی در قسمت شرکتهای ملی شده را گزارش دهید.»

(اتفاکری شماره ۳، صفحه ۱۰۷)

### چرا امر ملی کردن بانکها در نیمه راه متوقف ماند؟

صفحه ۲

### امام خمینی: هشدار میدهم که اگر از این اختلاف اندازها پیروی کنید، مملکت شما به دامن آمریکامی افتد

دیروز امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در برابر گروهی از مردم سخنان مهمی ایراد کردند.

امام خمینی، ضمن اشاره به اهمیت پیشرفت اقتصاد کشور و لزوم فداکاری برای افزایش تولید بقیه در صفحه ۲

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۳۷  
پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۱ - بها ۱۵۰ ریال

## نیروهای انقلابی در اصفهان موفق شدند ولی تحریک برای تحصن و اعتصاب و تخریب ادامه دارد

ما باردیگر به همه مردم وفادار به انقلاب، بویژه به کارگران اصفهان و همچنین به پزشکان متعهد، هشدار میدهم که یا توجه به شرایط فوق‌العاده حساس کشور، در دام ضدانقلاب، لیرالها و مائوئیستها نیفتند و از هرگونه تحصن، اعتصاب، تشنج، آشوب و درگیری پرهیز کنند.

همه این اخبار تکرانی آوردن حاکم از آنست که لیرالها و مائوئیستها، با پشتیبانی ضد انقلاب، یا تمام قوا میکوشند که بویژه در اصفهان، که یکی از پایگاههای اصلی مسلمانان انقلابی است، تشنج و درگیری ایجاد کنند و این منطقه حساس را به آشوب بکشانند.

ولی اخبار رسیده حاکیست که تحریکات برای اعتصاب کشاندن پزشکان و کارگران پالایشگاه همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، تحریکاتی نیز برای اعتصاب کشاندن «کانون کارآموزان» انجام میگردد. طبق اخبار رسیده همانطور که دیروز هشدار دادیم، و در کف های اصفهان و ریزش حمل شده.

پیرو هشدار که در شماره دیروز درباره وجود تحریکات برای اعتصاب کشاندن پزشکان دادیم، اینک خبر میرسد که نیروهای انقلابی موفق شده‌اند که این تحریکات را فضا خنثی کنند. در همان حال پالایش پیروهای انقلابی تحریکات برای اعتصاب کشاندن کارگران پالایشگاه نیز خنثی شد.

## احمد غضنفر پور «آزادی» را برای استقرار فاشیسم میخواید

اعتراض اکثریت نمایندگان بدیره سخنان او شد. این مائوئیست مسلمان‌نما در دفاع از «آزادی» گریبان چاک نمود و هدف از «آزادی» مورد نظر خود را چنین توضیح داد:

بقیه در صفحه ۲

احمد غضنفر پور در جلسه روز ۱۵ بهمن ۵۹، مجلس شورای اسلامی، سخنانی ایراد کرد، که اگر توفیق ایراد این خطابه را در مجلس رستاخیزی «آریامهر» یافته بود، مسلماً با هلهله و احست نمایندگان آریامهری روبرو میشد، ولی از بخت بد اوه خشم و

## بر اساس اطلاعیه ۳۹۴ ستاد مشترک ارتش: دههاتن از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند

در ادامه نبرد دلاوران جمهوری اسلامی ایران بر ضد تجاوزگران صدامی در روز ۱۳ بهمن ۵۹ مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب زیر شدیدترین آتش نیروهای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ۳۹۴ خود از جمله اعلام داشت: - در این روز نبرد در جبهه‌های غرب با مبادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین همچنان ادامه داشت و در یکی از جبهه‌های ایلام رزمنده‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

مواضع دشمن را زیر آتش شدید توپخانه قرار داده سه دستگاه تانک عراقی را به آتش کشیده و منهدم کردند. همچنین مواضع ارتش صدام در منطقه پنج‌ویژن زیر آتش نیروهای خودی قرار گرفت. - مبادله آتش توپخانه و خمپاره‌انداز در جبهه آبادان نیز ادامه داشت. ۲ دستگاه تانک سه دستگاه خودروی مسمات یک قیضه شده‌وایی، یک انبار مسمات یک بست دیدم‌وایی و تعداد زیادی از سنگرهای دشمن منهدم شد. بقیه در صفحه ۲

## درخواست از دادستانی کل کشور به وضع مالی «نامه مردم» و «میزان» و نیز به درآمد و دارائی رهبران حزب توده ایران و نهضت آزادی ایران رسیدگی کنید!

روزنامه «میزان» باردیگر با بنمایش گذاردن «اخلاق اسلامی» خود، که به هیچگونه موازین انسانی و اخلاقی پایبند نیست، در شماره ۱۵ بهمن ماه ۵۹ خود، ضمن طرح دیگر باره مسأله درآمد مالی حزب توده ایران و نامه «مردم»، دکلمه کثیفه اصلی به حزب توده ایران را «روسیه» نامیده‌است. ما پاسخ ندادن به این اقترای «میزان» را در شان نامه «مردم» نمیدانیم. گذشته از آن، دریافتن اصولاً نیازی به معرفی چهره «میزان» نمی‌بینیم. آنرا که عیان است، چه حاجت به بیان است. بقیه در صفحه ۲

خبرگزاری شوروی (تاس)، اظهارات مقامات آمریکائی را بر ضد اتحاد شوروی، «اغفالی ناهنجار و کین توزانه» خواند

صفحه ۲

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!







رفیق نورالدین کیانوری:

# تسخیر جاسوسخانه آمریکا گامی بود در جهت تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن

از جلسه «پرسش و پاسخ» (۹ بهمن ۱۳۵۹)

البته، در اینجا باید گفت که در کار جناح رادیکال، ضد امپریالیست و پشتیبان دولت هم کمبودها، نواقص و زیاده روی‌های زیادی هست، که قابل تأسف است و به پیشرفت توطئه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب کمک می‌رساند.

دولتمردان باید به این مسئله توجه جدی و کافی بکنند و نگذارند عناصری، که ممکن است با ضد انقلاب در رابطه باشند، به نام نمایندگان دستگاه اجرایی دولت، کمیته‌ها، پاسداران و روحانیت مبارز در نقاط مختلف، از جمله در ساجد، موجبات ناراضی مردم را فراهم بیاورند.

با کمال تأسف باید گفت که این عناصر کم نیستند و زبان آن‌ها هم خیلی جدی است. چون نیروهای انحصار طلب نمی‌خواهند از طیف قابل توجهی از نیروهای انقلابی، که ممکن است در برخی از مسائل با آن‌ها اختلاف نظر داشته باشند ولی در زمینه مقاومت در برابر امپریالیسم و پاسداری از جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب آماده، هر گونه فداکاری هستند استفاده کنند، نیروهای فرصت طلب، ماجراجو، جقه‌باز و ضد انقلابی ریشی می‌گذارند و تسبیحی بدست می‌گیرند و با سلطان نمایی در نهادهای انقلابی رخنه می‌کنند. مخصوصاً که عده زیادی از پاسداران مبارز به جبهه‌ها فرستاده شده و جایشان خالی شده است.

این‌ها نه تنها در جهت خلاف ست گیری‌های دولت عمل می‌کنند، بلکه به اشکال غیر مستقیم حتی مردم را علیه دولت تحریک می‌کنند. بنابراین، تکرار می‌کنم که بنظر ما مسئولین باید در این مرحله فوق العاده حساسی که در پیش داریم، به این مرحله حیاتی توجه جدی مبذول دارند.

بمطور خلاصه، اشغال به اصطلاح "سفارت" آمریکا، یعنی ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، در ایران رویدادی بود انقلابی و تاریخی، که در تشدید مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا و شناخت مردم ما از دستان پز دشمنان خود و همچنین موضع گیری قاطع زحمتکشان در برابر بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران تأثیر بسیار مثبتی داشته است.

بمعنی دلیل هم حزب توده، ایران از آغاز از این عمل پشتیبانی به‌کلیه کرد. این که "ایران از این بابت این قدر میلیاردها دلار ضرر کرد"، بهانه‌جویی نیروهای سازشکار، بولدوزرهای جاده‌سازان امپریالیسم و ضد انقلاب است، که می‌خواهند از ناآگاهی مردم برای پیشبرد منافع سیاسی خود استفاده کنند. واقعا هم که این دل‌سوخنگان "حق" دارند این قدر ضجه و ناله سر بدهند. این‌هایی که الان در روزنامه "میزان" جمع شده‌اند، "حق" دارند شمار بزرگی بالای اتاقتان بزنند که: "سپاسگزاران، گردم آمیم!" اکثریت این هاوزاری کابینه، گام به گام هستند که "گروگان گیری" آن‌ها را از تخت وزارت و صدارت به زیر انداخت، آن‌ها را مفتضح کرد، پرونده‌هایشان را بیرون کشید و کارت سبز شان را لو داد. "گروگان گیری" نشان داد چگونه وابستگان به آمریکا خود را در میان انقلابیون و قدرت مرکزی جا زده بودند.

با این که مائوئیست‌ها را بگیریم، که سروصداشان از بابت "گروگان گیری" بلند شده است. این‌ها هم در عرض یک سال پس از "گروگان گیری" تیفافه واقعی خود را نشان داده‌اند. مائوئیست قبلا لااقل این قدر "وجه" داشت که وزیر خارجه وقت معتقد بود که "چین بزرگترین متحد انقلاب ایران است" (!) خوب حالا که مائوئیست‌های طراز "رنجبر" و "بیکار" و اشغال‌های دیگر چهره واقعی خود را به عنوان همکاران امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب و صدام نشان داده‌اند و علنا برای سرنگونی رژیم انقلابی ایران تلاش می‌کنند، "حق" دارند، روزشان بلند شود.

از سوی دیگر، گول خوردگی برخی عناصر و نیروهای، که مطبعتا نه لبرال هستند، نه مائوئیست و نه وابسته به بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری، جدا باعث تأسف است. منظور من بعوضه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران است، که متأسفانه به سختی بازی خود را می‌کنند. این‌ها مثل این که قلب نما از دستشان افتاده است، که سمت گیری به‌گلی غلط گرفته‌اند و عمل آن‌ها در جهت تقویت نیروهای براندازی ضد انقلابی شده است.

البته، همان طور که در "گفتگو" کمیته مرکزی حزب ما یاد آور شد، ما هم، آن‌ها حساب‌های خونرا دارند. آن‌ها فکری نمی‌کنند چون لبرال‌ها مفتضح شده‌اند، دیگر نمی‌توانند حتی در صورت آمدن سر قدرت، این قدرت را نگه دارند. ضد انقلاب هم که بر اثر آگاهی مردم ایران نمی‌تواند پیروز شود. نیروهای "جبهه متحد ارتجاع" (!) (یعنی طرفداران مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و اصلاحات بنیادی ضد بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری) هم شکست خواهند خورد. بنابراین مردم پرچم پیروزی را می‌آورند و دو دستی تقدیم دوستان مجاهد می‌کنند!

بنظر ما، این ارزیابی مجاهدین اشتباه بزرگی است. شبیه آن را تقریبا در سبلی دیدیم، که نیروهای از این قبیل آن قدر در راه تضعیف دولت آئینده پیش رفتند، تا آقای بهوتو به طریق وحشتناکی، کمی دانیم، توانست نقشه‌های امپریالیسم آمریکا را با موفقیت اجرا کند.

خوشبختانه نیروهای انقلابی و اکثریت خلق، بخصوص زحمتکشان محروم ما، با همه توان خود پشتیبان موضع گیری قاطع ضد امپریالیستی هستند و با توطئه‌های لبرالی مخالفت می‌کنند. بنابراین، چنانچه دولتمردان و رهبران این جنبش مطبوع مرکب اشتباهات بزرگی نشوند، شانس برای بازگشت لبرال‌ها باقی نخواهد ماند و نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم هم با شکست روبرو خواهد شد. با این همه، باید در تمامی جاهه آینده اقدامات قاطع مردمی در جهت تامین منافع توده‌های ملیون می‌تواند ایران به عمل آید و از این راه روند عمومی انقلاب تقویت شود. و اگر نه امکان آن هست که در این مرحله سرنوشت سازمان انقلاب دچار خطری جدی گردد.

ادامه دارد

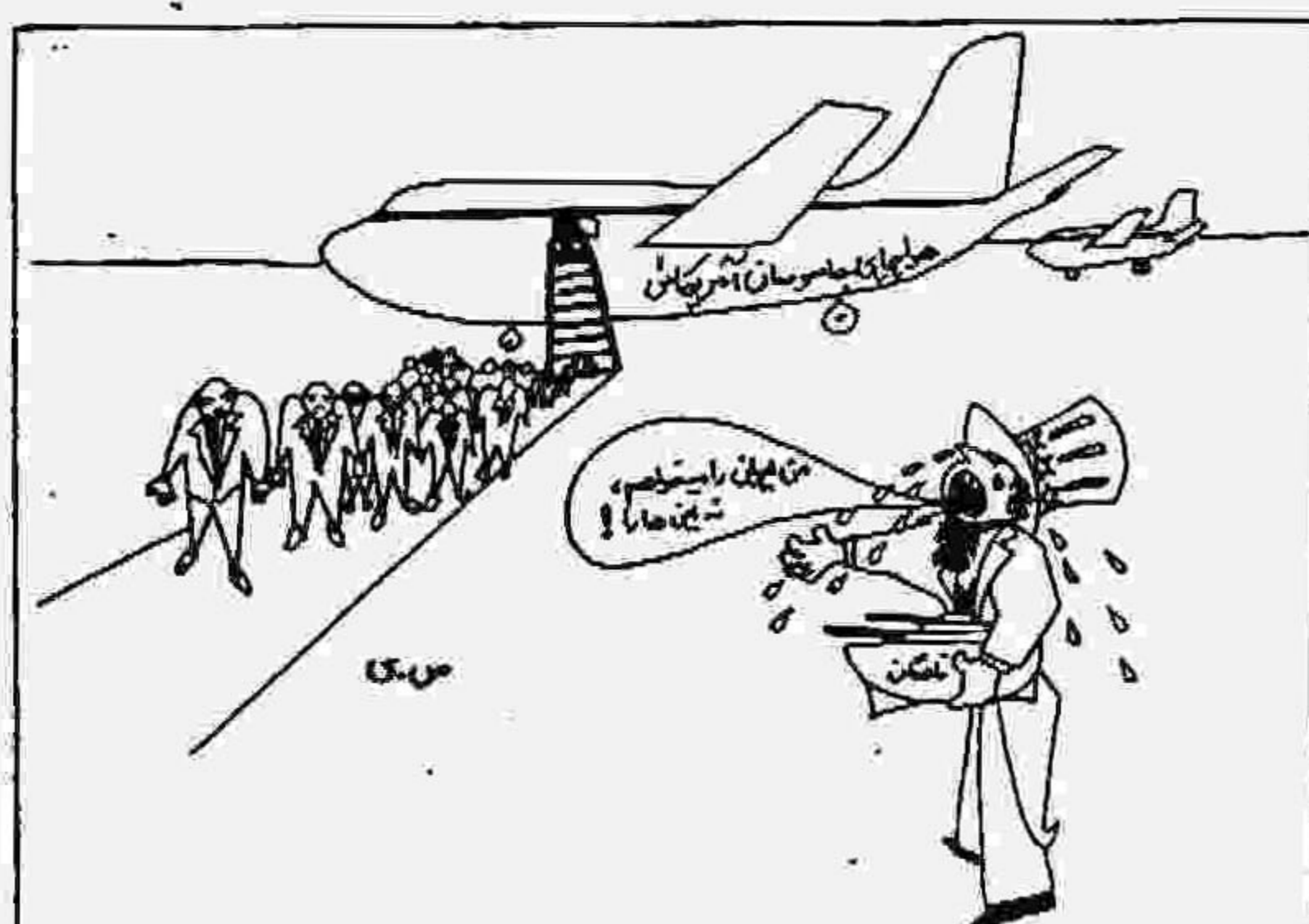
**تسخیر ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه ایران رویدادی بود تاریخی در راستای افشای امپریالیسم آمریکا و دستیاران لبرال آن و تعمیق ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب**

**لبرال‌ها میکوشند تا به بیانه‌های عوام‌فریبانه شکست‌ها و رسوایی‌های خود را پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا پنهان دارند.**

**امپریالیسم آمریکا، چه پیش از آزادی "گروگان‌ها" و چه پس از آن، خواهان پس گرفتن سنگرهای از دست داده خود در ایران انقلابی بوده و هست.**

**امپریالیسم آمریکا کماکان تاکنک دوگانه "مسخ انقلاب" بدست لبرال‌ها و "درهم شکستن انقلاب" از طریق تجاوز نظامی را در پیش دارد.**

**با خودداری از انحصار طلبی و استفاده از همه نیروهای اصیل انقلابی، فرستادگان و عناصر ضد انقلاب را رسوا کنیم و جبهه مقاومت خلق را در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دام گسترده‌های لبرال‌ها توان بخشیم.**



در این مقاله به صراحت نوشته شده است که آمریکا باید کوشش کند تا "دولت هواداران خمینی" سرنگون شود و "دولت عناصر مینامور" را سر کار بیاورد. در چنین صورتی هم "منافع حیاتی" مرستان سعودی، که متحد درجه اول آمریکا در منطقه است تامین خواهد شد و هم "منافع حیاتی" خود آمریکا در منطقه.

خوب، ما از صراحت این آقا خیلی متشکریم. کاش لبرال‌های "ما" هم به همین صراحت می‌گفتند: "با روی کار آمدن ما منافع حیاتی آمریکا در ایران تامین خواهد شد. ولی آن‌ها این صراحت را ندارند و می‌خواهند با دو رویی و تزویر راه بازگشت خود را به قدرت باز کنند! راه دوم تدارک یک توطئه و تجاوز وسیع نظامی است. البته در صورتی که نقشه اول با شکست روبرو شود. (در ضمن در روزهای اخیر گفته و نوشته شد که آمریکا، غیر از آن چه که فاش شده است، توطئه‌های دیگری را هم می‌خواسته است علیه ایران اجرا بکند، از جمله توطئه نظامی دیگری به نام "ماجراجوی طیس" و غیره).

این که این توطئه و تجاوز وسیع نظامی به چه شکل انجام خواهد شد، الان نمی‌توانیم آن را مطرح کنیم. ولی این کلمه‌های گرم در آمریکا در این زمینه خیلی داد سخن می‌دهند. یکی می‌گوید "ایران را باید از صحنه گیتی زدود". دیگری می‌خواهد سراسر ایران را به باران کند. بعد هم از ارتش-کشی، اشغال خوزستان، تجزیه کردستان و بلوچستان صحبت می‌شود. روزنامه‌های آمریکایی این روزها پر است از پیشنهادهای مختلف در این زمینه، که وجه مشترک همه آن‌ها تدارک یک ضربه قهراً و نظامی به جمهوری اسلامی ایران است.

آمریکا با تقویت عراق کوشش می‌کند که جنگ تجاوزی عراق را علیه ایران بدهد و به بسج نیروهای خود ببرد. تدارکات نقشه‌های بعدی خود را بدهد و به بسج نیروهای خود ببرد. تدارکات نقشه‌های بعدی متأسفانه هستند نیروهای "بازی خورده" ای (اصطلاح جدید بسیار قشنگی است) که با شناخت نادرست خود از سمت گیری انقلاب، همراه با طیف وسیع لبرال‌ها و وابستگان به امپریالیسم، به دو نقشه مختلف امپریالیسم آمریکا- یعنی مسخ انقلاب و درهم شکستن انقلاب از طریق یک حمله وسیع نظامی- ملاً کمک می‌کنند.

س: حال که با میانجی گری دولت الجزایر، "گروگان" ها آزاد شده‌اند، ارزیابی شما از این مسئله و جنجال امپریالیسم و رسانه‌های گروهی آن، ضد انقلاب و لبرال‌های داخلی چیست؟ آیا این طور که "انقلاب اسلامی" "میزان"، یعنی ارگان‌های لبرال‌ها و نمایندگان اینان در مجلس شورای اسلامی هیاهو راه انداخته‌اند، "گروگان گیری" اشتباه بزرگی بوده و صدمات زیادی به ما وارد آورده است؟

ج: در این زمینه سؤال‌های زیادی شده است. که من فقط یکی از آن‌ها را در اینجا خواندم. بنظر من کلمه "گروگان گیری" اصلاً درست نیست و اگر هم شود آن را بکار برد کاملاً جنجال فرعی دارد. مسئله بر سر این است که در این جریان ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع و ضد انقلاب از طرف انقلابیون ایران شناخته و به درستی اشغال شد. نتایجی هم که از تسخیر این ستاد توطئه‌های خطرناک علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران بدست آمد، درستی این کار را ثابت کرد. اگر این ستاد ضد انقلاب مدت بیشتری به خوابکاری خود ادامه می‌داد، معلوم نبود که توطئه‌های رنگارنگ آقای برونسکی برای مسخ انقلاب ویا درهم شکستن آن موفق نمی‌شد.

این‌هایی که از این به اصطلاح "گروگان گیری" ناراضی‌اند، علتش این است که به قیای خود آن‌ها هم برخورد کرده است. آن‌ها به این دلیل همه مشکلاتی را، که مردم ما در مجموعه "مبارزه" عظیم ضد امپریالیستی خود به طور عینی مجبور به تحمل هستند، به حساب اشغال جاسوسخانه می‌گذارند. اگر هم "گروگان گیری" برخی جنبه‌های منفی داشته باشد، تأثیر آن‌ها فوق العاده ناچیز بوده است. اصل مسئله آن است که اشغال ستاد توطئه براندازی، مرحله کیفی جدیدی را در نبرد علیه امپریالیسم آغاز نهد. باعث شد که مردم ما دشمن اصلی خود را بشناسند و مبارزه خود را علیه این دشمن خطرناک شدت بخشند. تحریم اقتصادی، توقیف دارایی‌های ایران در خارج و دیگر فشارهای امپریالیسم و دستیارانش هم عواقب این تشدید مبارزه هستند و نه "گروگان گیری". به همین دلیل هم این محدودیت‌های کارشکنانه به اشکال مختلف حتی بعد از آزادی "گروگان" ها پایان نخواهد یافت.

مگر کویا "گروگان" آمریکایی گرفته بود، که هنوز سال‌هاست نتوانسته است دارایی‌های خود را در آمریکا بدست آورد، هنوز تحت محاصره اقتصادی آمریکا است، هنوز با آمریکا روابط سیاسی ندارد و هنوز هدف توطئه‌های پی در پی امپریالیسم آمریکاست؟

نه، آن‌ها چه در آمریکا و هم ایران را آماج این محدودیت‌ها و توطئه‌ها ساخته است آزاده قاطع خلق‌های هر دو کشور برای از بین بردن تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم آمریکاست. همین پدیده را هم در مورد افغانستان، اتیوپی، موزامبیک، ویتنام، سوریه، لیبی و یمن دیکراتیک و غیره، به تناسب اهمیت استراتژیک و اقتصادی این کشورها، مشاهده می‌کنیم. در صورتی که هیچ کدام از این کشورها به "گروگان گیری" دست نزده بودند.

ایران از نظر استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و نظامی دارای اهمیتی فوق العاده برای امپریالیسم آمریکا بوده است و با ست گیری قاطع ضد امپریالیسم آمریکایی خود، مورد کینه خاص آمریکا قرار گرفته است. حال اگر "گروگان گیری" هم پیش نمی‌آمد، امپریالیسم آمریکا در صورت تشدید این مبارزه ضد امپریالیستی، دیرتر یا زودتر به این فشارها دست می‌زد. چنانکه قبل از "گروگان گیری" هم با وجود آن که همه رادارهای "سفارت" کاری کردند، کشتی‌های جنگی آمریکا در خلیج فارس گشت می‌زدند، مگر دیگر کارسایا و پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان سعودی و دیگر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه به "گروگان گیری" مربوط بود؟ بنابراین، توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم، از جمله و بعوضه امپریالیسم آمریکا، روندی است قانونمند و تاریخی، که استیجابی به "گروگان گیری" ندارد. حال این به اصطلاح "گروگان گیری" روند شناخت ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا را تسریع بخشید، کاری را که این امپریالیسم داشت به دست دولت "گام به گام" دوستان آمریکازده آقای برونسکی به طور خزنده انجام می‌داد. پس از رسوا شدن اینان، تشدید کرد.

ما معتقدیم که سیاست آمریکا در قبال ایران حتی پیرای باز پس دادن "گروگان" ها تغییر بنیادی پیدا خواهد کرد. همان طور که بارها در اسناد حزب و مقالات مطبوعات ما گفته شده است، آمریکا ایران را می‌خواهد، نه "گروگان" ها را.

آمریکایی‌ها حاضر بودند که در "رویداد طیس" به جای هشت نفر، حتی هشتاد نفر را از دست بدهند، برای این که رژیم ضد آمریکایی ایران را سرنگون سازند. آن‌ها در کودتای نوژه برای این منظور گروهی از بهترین عناصر وابسته به خود را قربانی کردند. همین امروز در روزنامه‌ها خوانندیم که آمریکا ادعای تازه‌ای را مطرح کرده است و می‌گوید عده‌ای از کسانی که در زندان‌های ایران هستند، تابعیت آمریکا را دارند. بله، این همان کارت سبزدارها و کسانی هستند که می‌خواستند "شهرت‌های خوبی برای آمریکا باشند. این‌ها همان ضد انقلابی‌ها و کودتاچی‌ها هستند. حال که آمریکا به این‌ها به چشم "اتباع" خود نگاه می‌کند، بعید نیست که فردام جنبالی را برای نجات این "اتباع" راه بپاندازد.

سیاست عمومی آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران کماکان دو روش مسخ انقلاب و در هم شکستن انقلاب را در پیش دارد. روش به اصطلاح "منالمت آمیز" اول عبارت است از انتقال قدرت بدست "میان رو" ها، یعنی همان لبرال‌های دولت "گام به گام" یا تزکیه جدید، مشکل از عناصری که یک سال و نیم پیش هنوز خود را در جناح انقلابی جا زده بودند - یعنی از آقایان ریگان و هیکل به صراحت به آن اعتراف کرده‌اند. از آمریکایی‌ها باید متشکر بود که گاهی اوقات آدم‌های صریحی هستند. هفته پیش مقاله "مغصلی در تیوپورک تایمز" از یک پروفیسور آمریکایی، که در ضمن رئیس یکی از موسسات "علمی" است چاپ شد، که عنوان آن "دفاع از منافع حیاتی آمریکا در ایران" بود (کویا ایران اهلالت بهنجامویکم آمریکاست، که در اینجا "منافع حیاتی" داشته باشد!)

تعدادی از آن‌ها، به دلیل وابسته بودن به رژیم گذشته، مورد اعتراض مردم قرار گرفتند و در نتیجه بعضی از آنان جای خود را به افراد جدیدی واگذار کردند. شورای عالی بانکها به وسیله دولت ایجاد کردید و شورای مزبور وظایف مجامع عمومی بانکها را برعهده گرفت. نامدتی پس از ملی کردن بانکها، کلیه آن‌ها تحت ضوابط گذشته بودند این که کمترین تشبیهی در شبکه و شیوه‌های عمل آن‌ها داده شود، به کار خود ادامه دادند.

نتیجه آن که، انحصارات مالی بین المللی، با نفوذ در بانکداری ایران، از امکانات مالی "بانکهای مختلف" به نفع واحدها و اشخاص مورد نظر خود استفاده می‌کردند و سود سهام متعلق به اتباع بیگانه این بانکها هم، به ارز مورد نظر صاحب آن، به خارج از کشور انتقال می‌یافت.

ملی کردن بانکها موجب شده که کلیه بانکهای خصوصی، از جمله این گروه از بانکها به مالکیت دولت درآمد. هیئت‌های مدیره این بانکها به وسیله دولت انتخاب شدند، که از همان ابتدا

زیرا به موجب اساسنامه، سهام آنها به دسته "الف" و "ب" تقسیم شده بود که سهام دسته "الف" مخصوص اتباع ایران و سهام دسته "ب" مخصوص اتباع بیگانه بود. نکته قابل ملاحظه آن که، با وجود تعلق اکثریت سهام "بانکهای مختلف" به اتباع ایران، در اساسنامه تعدادی از آنها قید شده بود که رئیس هیئت مدیره از میان اتباع ایران و مدیرعامل بانک از میان اتباع بیگانه انتخاب می‌گردد. بدین ترتیب اداره بانکهای مذکور عملاً "در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار داشت."

یکی از دست‌آوردهای انقلاب، ملی کردن بانکها بود که در اوایل سال ۱۳۵۸ به انجام رسید. ملی کردن بانکها موجب قطع نفوذ صاحبان سرمایه‌های بزرگ داخلی و خارجی در بانکداری کشور گردید. بهر حال رژیم گذشته از طریق موافقت با ایجاد تعدادی بانک بنام "بانکهای مختلف"، که با مشارکت سرمایه‌های ایرانی و خارجی تشکیل گردید، موقعیت ممتازی نصیب انحصارات مالی بین المللی کرده بود. این انحصارات در مدیریت "بانکهای مختلف" نقش اساسی بر مهاد مداشتند.

## چرا امر ملی کردن بانکها در نیمه راه متوقف ماند



کارگران کارگاههای بنگاه امید:

«باید با احتکار مبارزه کرد. تا دست واسطه ها که کاری نمیکنند و محصول کار دیگران را به جیب می زنند از سرما کوتاه شود»



ساوه و کرج است و بر هر کدام مقدار زیادی خوب احتکار شده، فوراً صادر کند. وی معتقد است که دولت باید ورود کالا را خارج را در اختیار بگیرد.

قوانین ضد کارگری رژیم طاغوت تنها منافع کارفرماها و سرمایه داران بزرگ را تامین می کردند. از این رو کارگران بعد از انقلاب، خواستار تغییرات بنیادی آنها شدند. نمونه مشخص آن بیمه نکردن کارگرانی بوده که در کارگاههای با کمتر از ده کارگر کار می کردند. این کارگران از حقوق قانونی محروم بودند و متأسفانه هنوز هم هستند.

این کارگران نمی توانند و "حق" ندارند که در بیمارستانها مجبورند دستمزدها را در روز خود را برای مداوای بیماری خود یا فرزندان شان بپردازند. این قانون باید تغییر یابد و کارگران تمام کارگاههای بزرگ و کوچک دولتی و خصوصی از حق استکان برخوردار شوند. در این مورد باید مواظب بود که کارگران مجبور به اجرای قوانین شوند. طبق قانون کار حداقل دستمزد کارگر سال ۶۳۵ ریال است، در حالیکه یکی از کارگران، با ۲۷ سال سابقه کار، هنوز ۶ تومان دستمزد می گیرد. وی بیمه نیست و از دیگر حقوق و مزایای کارگری نیز محروم است. بعد از بازنشستی نیز قاعده است. مقداری از دستمزد او کم خواهد شد.

مسئولان باید به وضع این کارگاهها رسیدگی کنند. باید چنین کارفرماهایی را مورد بازخواست قرار داد.

استثمار کارگران و پیمان کردن حقوق قانونی آنها می تواند ضربات جدی به انقلاب وارد کند. لازم است حقوق حقه کارگران تامین و زندگی در خوریک انسان برای آنها فراهم شود.

وی ادامه می دهد: "من کم کم پیرو می شوم. موها هم سفید شده و قدرتم برای کار کردن هر روز کمتر می شود. نمی دانم در آینده وضع چه خواهد شد." نورالله، کارفرمای یکی از کارگاهها، می گوید: "مالان مقدار سفارش از شهرک غرب تحویل گرفته ایم و قرارداد دی در این مورد بسته شده است. یکی از مشکلات ما این است که مواد اولیه هر روز گرانتر می شود. میخ، چسب و چوب سه لایه..."

وی ادامه می دهد: "باید سرمایه داران غارتگر مبارزه کرد و جلوی احتکار کالاها توسط آنان را گرفت. سرمایه داران تراورس را از خارج وارد می کنند و به چندین برابر بر قیمت به ما می فروشند. دولت باید خودش کالاها را وارد کند و یا بدجلوی واسطه ها گرفته شود. پیرس کار یکی از کارگاهها می گوید: "از صبح تا شب کار می کنم و روزی صد تومان دستمزد می گیرم. من باید خرج یک خانواده چهار نفری را تامین کنم."

وی معتقد است که در این جنگ تحمیلی، آمریکا پشتیبان عراق است، و می گوید: "باید تا زمانی که عراق در خاک نیست، ما دستش را پس بگیریم. تا ما در مورد گران و راه مبارزه با آن معتقد است که: "دولت باید با عدالتی که است. کارگاهها می کنند، مبارزه کنند. مثلاً در محل کار ما "نشویان" را احتکار می کنند و با قیمت گزاف بفروش می دهند."

کارگاههای بزرگ، می گوید: "بسی روزی هفت سال سابقه کار دارم، روزی صد تومان حقوق می گیرم و باید مخارج شش نفر را تامین کنم. این دستمزد کم، واقعاً کفاف زندگی را نمی کند. به کارفرما هم نمی توانم حرفی بزنم، چون ما را تهدید به اخراج می کند. مگر به روزی شصت تومان، با هزینه سرسام آور زندگی چه می توانم بخرم؟ کارفرما به اشخاصی که تا زه استفاده کرده است، روزی ۸ تومان دستمزد می دهد. وقتی می گویم دستمزد کم است، می گویند پول ندارم. نه بیمه هست و نه حق اولاد می گیرم. وضع دائم چاره وزارت کار به وضع چنین جاهایی رسیدگی نمی کند؟"

در تشکیلات صنفی خود متشکل شوند، تا بتوانند جلوی اجحاف استادکارها را بگیرند. کارفرما را می خوانند و وزارت کار را اجراض می گویند که: "دولت را قبول ندارم! ما مجبوریم پول غذا و ایاب و ذهاب را از جیب خودمان بدهیم، بیمه هم نیستیم." در مورد جنگ ایران و عراق

در باره جنگ می گوید: "پشتیبان عراق آمریکا است. جنگ ما با عراق، جنگ با آمریکا است. باید برای پیروزی وحدت داشته باشیم. اگر امام فرمان بدهد، به جبهه خواهیم رفت."

در باره بیمه می گوید: "بیمه ما متعلق نمی شود. مخارجی را که با بیت درمان پانیم متحمل شدیم، بیمه نمی پردازد. حق اولاد هم به ما نمی دهند و می گویند کارگاهها بی کفایتند و ده کارگر دارند، حق اولاد به آنها تعلق نمی گیرد."

عباس، کارگر آهنگر، می گوید: "باید با محتکران مبارزه کرد. دولت باید مستقیماً مواد مورد احتیاج ما را در اختیار ما قرار دهد، تا دست این واسطه ها، که هیچ کاری نمی کنند و پولهای کلانی به جیب می زنند، از سرما کوتاه شود. بیروقیل از مواد مورد احتیاج ما است، ولی فقط در اختیار واسطه ها است و با چندین برابر بر قیمت واقعی آن بدست ما می رسد."

وی در مورد وظیفه کارگران در پشت جبهه معتقد است که تولید را باید بالا ببرند. ناصر، کارگر جوانی که حدود ۱۷ سال سن و ۲/۵ سال سابقه کار دارد، می گوید: "روزی هشت ساعت کار می کنم و شصت تومان مزد می گیرم. تا حالا چندین بار با کارفرما درگیری داشته ام، چون حقم را می خواستم. کارگران باید

کارگران: تانفس داریم با آمریکای جنگیم

از دولت توقع داریم به وضع ما رسیدگی کند



بوجود انواع خطراتی که تهدیلشان میکند، بیمه نیستند

ما خودش را خیلی زرتنگ حساب می کند. اگر یک روز کار نکنیم، پولی به ما نخواهند داد، چه جمعه باشد، چه روز عزا و چه روز جشن. من دوتا اتاق اجاره کرده ام و ماهی هزار تومان اجاره می دهم. با اینکه چند سال است به عنوان کارگر فنی در این شغل هستم، فقط روزی ۱۳۰ تومان مزد می گیرم.

درجاده تهران - شهرری قریب ۳۰ کارگاه سنگبری وجود دارد، که در هر کدام هشت الی بیست نفر کار می کنند. این کارگران با مشکلات زیادی روبرو هستند که عدم برخورداری از قانون کار و بیمه و خدمات رفاهی، گوشه های آن هاست. با کارگران سنگبری در مورد شرایط کار و زندگی شان صحبت می کنیم.

یکی از کارگران کارخانه "وهمن" بنام محمد عابدینی، که پای دستگاه برش کاری کند و ۲۵ سال دارد، می گوید: "سه سال است در این کارخانه کار می کنم. روزی ۸۸ تومان حقوق می گیرم. اجاره نشینم و ماهی ۵۰۰ تومان کرایه اتاق می دهم. کارفرما هنوز حق اولاد و حق مسکن را نسبت به من نپرداخته است. وقتی اعتراض می کنیم، می گویند کار نکنید. زمینی از طرف بنیاد مستضعفین در اختیارم گذاشته اند، ولی پول ندارم بسازم. از دولت جدا می خواهم به وضع ما رسیدگی کند." قریان یوسف آذری، یکی دیگر از کارگران، که او نیز پای دستگاه صیقل کار می کند، می گوید: "۲۶ سال دارم، بعد از ده سال کار در کارخانه ۳ هزار تومان حقوق

می گیرم. مستاجر و ماهی ۵۰۰ تومان اجاره می دهم. در یک اتاق تنگ با سه تا بچه می ولیم. در مورد سازمان صنفی شان می گوید: "سندیکا داریم، ولی خیلی کم کار است. وقتی برای کاری مراجعه می کنی، چند ماه طول می کشد تا نتیجه بررسی محمد ۴۸ ساله، یکی دیگر از کارگران، با اینکه چهره های خسته و شکسته دارد، ولی خیلی سرزنده است. وی می گوید: "۶ سال است در این کارخانه کار می کنم. ماهیانه ۲۸۰ تومان حقوق می گیرم. ۶ سرعائله دارم. وقتی از مبارزه با آمریکا صحبت شد، وی متبسم و مصمم گفت: "ما تا تانفس داریم با آمریکا می جنگیم. ولی از دولت می خواهیم که به وضع ما کارگران رسیدگی کند. یکی از کارگران کارخانه سنگبری، که روبروی کارخانه "بیستون" واقع شده است، برای ما از روش ضد کارگری کارفرما تعریف می کند و می گوید: "اصلاً روحیه مان کسل شده است. آدم شوق زندگی را از دست می دهد. آخر چطور می شود با این وضع روحیه خوبی داشت؟ هیچ کس به درد ما

سابقه کار، که هنوز از بیمه و سایر مزایا برخوردار نیستند. هیچ کس به حرف ما گوش نمی دهد. من خودم به وزارت کار رفتم و شکایت کردم. آخرش هم از کارخانه ای که قبلاً کار می کردم، اخراج کردند.

علیرضا یکی دیگر از همکارانش، که هر کدام دوتاسهمه است در آنجا کار می کنند، وضع مشابهی دارند.

ضمناً در کلیه این کارخانه ها، با وجود گردسنگ و رطوبت زیاد، کارگران از وسایل ایمنی کامل و سالن غذاخوری، یا حداقل یک اتاق و وسیله ایاب و ذهاب بی بهره اند.

این زحمتکشان بحق از انقلاب و دولت انتظار دارند تا به وضع شان رسیدگی شود. بیمه کردن کارگران امری است که باید هرچه زودتر عملی شود. شرایط کار در کارگاههای کشور به گونه ای است که در آن ها وسایل ایمنی به طور کلی وجود ندارد، و اگر هم باشد، ناقص است. این عدم برخورداری از حق بیمه و نداشتن وسایل ایمنی، با خطراتی که هر لحظه کارگران را تهدید می کند، می تواند زندگی شان را به تباهی بکشد. با مواد ناقص قانون کار و عدم ضمانت اجرای آن ها، آسیب دیدن یک کارگر برابر است با بیکاری و نداشتن تامین مالی و در نتیجه یک زندگی فلاکت بار برای خانواده ای زحمتکش. بیمه کردن کارگران و تامین وسایل ایمنی برای کارگاهها امری است که باید عمومیت پیدا کند و اجرا شود.

ولی با این پول، مثلاً از وقتی که گوشت گران شده، مجبوریم هفته ای یک بار گوشت بخوریم. در مورد اعمال ضد کارگری کارفرماها در کارخانه ها، یکی از کارگران کارخانه "فرح آبادنو" که حدود ۲ سال دارد، می گوید:

"مدت ۳/۵ ماه است در این کارخانه کار می کنم. روزی هفتاد تومان مزد می گیرم. با این هفتاد تومان کرایه کرایه رفت و آمد، اجاره خانه و خرج خانه می گوید:

را بدهم. از طرفی نه بیمه هستم و نه پساندازی دارم، هیچی ندارم. برای اینکه بیمه شویم، حداقل باید چند ماهه یا یک سال سابقه کار داشته باشم. ولی کارفرماها بخاطر اینکه ما بیمه دائمی نشویم، پس از سهالی چهار ماهه کار کردن ما را اخراج می کنند. در همین کارخانه کسانی هستند با یک سال و نیم



### وظیفه نهادهای انقلابی حمایت از دهقانان تهیدست است

موضوع بسیار بااهمیتی که هم اکنون در سطح جامعه و بخصوص در روستاها وجود دارد، اجرای قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان تهیدست است. در طرح و تصویب قانون اصلاحات ارضی و اجرای بخشهایی از این قانون، انقلابیون و مدافعان راستین انقلاب عظیم ما، سهم بسزایی داشته و دارند. رهبران انقلاب، امام خمینی، در بحال رهنمودهای بسیاری در خصوص مالکیت های بزرگ ارضی و مالکیت های غصبی و عدوانی و توجه به وضع روستا فیکان زحمتکش ارائه کرده اند. رهبر انقلاب مالکیت اکثریت بزرگ - مالکان را غاصبانه و عدوانی دانسته و درجایی گفته اند: "غالبا اربابها دلیلی بر مالکیت، جز سنده قلابی و تصرف عدوانی نداشته اند".

انقلاب کرمان، به بهانه عدم رعایت موازین دادگاه و شرع، از وابستگان به فتوای الهی حمایت می کند، که با اعتراض روبرو میشود. حمایت رئیس دادگاه انقلاب کرمان از بزرگ مالکان، سپاه پاسداران رابه اعتراض و می دارد. به همین ترتیب جها دسا زندگی و فرمانداری شهر متقا معترض میشوند. رئیس دادگاه انقلاب کرمان، رئیس ترک جیرفته از طریق رادیسوی کرمان، یکنفر از اعضا هیئت واگذاری زمین را احضار می کند. وی در پیام رادیویی کار هیئت را برخلاف شرع اسلامی می داند و بدین وسیله دست به اقدام میزند. بدنبال احضار یکی از افراد هیئت، چند نفر دیگر نیز جهت ادامه شکایت به مراجع قانونی بالاتر مراجعه میکنند. ناگفته نماند که دادگاه انقلاب کرمان، که تحت ریاست وی اداره میشود، حتی با مواد مصرحه در قوانین کشور، مخالفت می کند و اقدامات مفید انجام شده را برخلاف موازین شرعی میداند. از آن جمله کار قانونی هیئت واگذاری را که در چند ده انجام شده است، غیر قانونی جلوه میدهد، که این امر با مخالفت هیئت روبرو شده است.

امام خمینی واگذاری ارضی "متعلق به مالکان بزرگ کشاورزان راحق مسلم و قانونی روستائیان تهیدست دانسته و در این خصوص متذکر شده اند: "و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تعلق نماید". حتی تا فریاد کرده اند که: "چهارم در موردی لازم با تدبیری که بابت بهای مالک از کشاورز گرفته شده به او پس داده شود".

نهادهای انقلابی در راه اجرای این رهنمودها تاکنون به اقدامات پرثمر فراوانی دست زده اند. جها دسا زندگی در راه سازی روستاها و تدارک رفاه برای زحمتکشان روستا و ایجاد زمینه بمنظور محو بزرگ مالکی فعالیت های بسیاری داشته است. جهت ایجاد نظم و امنیت و فراهم نمودن زمینه برای نابودی چپا و لگری و غارت در روستاها، با روی آوردن دهقانان تهیدست بوده است. همچنین هیئت واگذاری زمین در بسیاری از نقاط و علیرغم توقف بند "ج" منشأ اقدامات انقلابی فراوانی بوده است. اقداماتی از این گونه دقیقاً منطبق بر اهداف انقلاب غرورآفرین ضدا مبریا لیستی است که میخواهد مستضعفان رابه حاکمیت رساند. لیکن با کمال تأسف مشاهده میشود افرادی که دارای مسئولیتهای خطیری هستند، بجای آنکه منشأ خدمات رها بی روستائیان محروم و تحقق اهداف انقلاب باشند، عملاً به دفاع و حمایت از بزرگ مالکان توطئه گستر می پردازند و خود بخود در راه نهادهای انقلابی و در نهایت انقلاب میگردند. نمونه ای که در زیر می آید، گویای این واقعیت ناگوار است:

بدنبال آغاز کار هیئت واگذاری اراضی در شهرستان جیرفت، روز جمعه ۲۵ مهر ۵۹، رئیس دادگاه انقلاب کرمان، که برای رسیدگی جرائم به جیرفت رفته بود، در مسجد جامع شهر، ضمن سخنرانی در تائید احکام صادره از طرف دادگاه انقلاب کرمان، از بزرگ مالکین دفاع می کند. در مقابل، روز ۲۶ مهر ۵۹، در دادسرای انقلاب، حاکم، شرح هیئت واگذاری زمین، که وابستگان خوانین حمله میکنند، اما در این اثناء رئیس دادگاه

### دهقانان «دیزج خلیل» و ثمرات مبارزه آنها

روستای دیزج خلیل، یکی از روستاهای دهستان ارونق است. این دهستان در بخش شیبتر در شهرستان تبریز قرار دارد. روستائیان تهیدست روستاها با ننگ حق طلبانه خود را طین افکن ساخته اند. مثلا بارها به اقدامات جعی و راهپیمایی دست زده اند. هدف عمده راهپیمایی ها، که سه ماه بعد از پیروزی انقلاب شروع شد، و همه مبارزات دهقانان زحمتکش طی یکسال اخیر، اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به آنها بود. در نتیجه، زمین های بزرگ مالکی که هدف مبارزات دهقانان بود، توسط سپاه پاسداران در اختیار گرفته شد. بهتراست که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر، طبق قانون اصلاحات ارضی بسود تهیدستان روستا و اقتصاد کشاورزی مملکت، تشخیص دهد و تصمیم بگیرد که آیا بهتراست بر روی مالکیت مشاع مجتمع کشت بنام قلعه یک تعاونی فعال درست شود، یا اینکه اصلاح است این مجتمع بصورت یک واحد دولتی اداره شود؟

با اینکه مشکل آب برای آبیاری تا حدودی با حفر چاه عمیق مرتفع شده است، لیکن دهقانان خردمیا خواهان رفع کامل آن هستند. خواستهای دیگر روستائیان دیزج خلیل عبارتند از: توزیع عادلانه مایحتاج عمومی، رسیدگی به شکایات اهالی و تامین امنیت روستا. شورای ده اسفند ماه گذشته تشکیل گردید. رئیس اقداماتی که شورا در این مدت یکسال برای اهالی انجام داده، بقراری است:

صدور کارت برای توزیع نفت و سیگار و خواربار و کنترل بر توزیع، رسیدگی به شکایات مردم، احداث دویستم تقویت کننده برق برای روشنایی روستا و اقدام به لوله کشی، که ۸۰ درصد آن به اتمام رسیده است.

میان شورا و نهادهای انقلابی همکاری و حسن تفاهم بسیار زیادی وجود دارد، که خود وثیقه کارم بخش و مفید است. البته باید شورا قدرت اجرایی لازم و امکانات ضروری را کسب کند، تا بتواند آنطور که شایسته است، دهقانان خدمت نماید.

### روستائیان زحمتکش:

## استقلال کشور با نابودی کامل بزرگ مالکی پیوند دارد

روستای قلعه شاهخانی، یکی از روستاهای بخش میان دربند از توابع کرمانشاهاست. این روستا ۶۵ خانوار را در بر می گیرد و جمعیت آن به ۴۵۰ الی ۵۰۰ نفر می رسد. فاصله روستا تا شهر ۵۳ کیلومتر است، که از این مقدار، ۳۰ کیلومتر آن خاکی است. از ۶۵ خانوار ساکن در روستا، ۲۵ خانوار خوشنشین هستند. مجموع اراضی روستا ۳۰۰ خروار است. که ۸۰ خروار آن آبی است. یکی از بزرگ مالکان روستا ۱۵۰ هکتار زمین دیم دارد و بزرگ مالک دیگر، که سرگرد شهربانی است و در تهران سکونت دارد، دارای ۱۵۰ هکتار زمین دیم و آبی است. علاوه بر این، که خدای روستا ۸۰ هکتار زمین در قلعه شاهخانی و ۲۰ هکتار زمین هم در روستای قیصوند دارد. خوشنشینان حدود ۱۰ هکتار از اراضی بزرگ مالکان را بجا اجازه سازمان پیشمرگان کشت کردند، لیکن سهمها بین تمام اهالی تقسیم گردیدند. در صورتی که در نامه پیشمرگان قید شده بود که سهم باید فقط به زمینها داده شود. روستای قلعه شاهخانی هنوز شورا ندارد، لیکن دوتن برای هیئت هفت نفری تعیین شده، که یکی از آنها کم زمین و دیگری زمیندار است. مسئله زمین و کاشت و برداشت محصول بلا تکلیف مانده است. خوشبختانه جها دسا زندگی با دقت مراقب توطئه ها و اقدامات بزرگ مالکان است.

روستای قلعه شاهخانی فاقد حمام، لوله کشی و برق است. مدرسه روستا دو نکته مهم دیگر در مورد انتخاب دو نفر از اهالی برای عضویت در هیئت هفت نفری است. مطابق دستورالعمل تشکیل هیئت های هفت نفری، این دو نفر باید از افرادی زمین و کم زمین انتخاب گردند و مورد تائید حاکم شرع باشند. لذا اولادنا هیچ شرایطی زمینداران بزرگ یا نمایندگان آنها نمی توانند و نباید به عضویت هیئت ها درآیند و خود حاکم شرع نیز باید مطابق وظیفه، تائید کافی میزاید مطابق دستورالعمل بطور درست و کامل اجرا گردد. روستائیان زحمتکش نیز باید در اسرع وقت شورای ده تشکیل دهند و برانتهای اعضا شورا نیز نظارت کامل بکنند، تا شورایی که تشکیل می گردد، بتواند در رفع نیازمندیهای آنان مفید و موثر باشد.

### نمایشگاه عکس ضدا مپریالیستی در رشت



در دیماه ۵۹ از سوی سازمان حزب توده ایران در رشت نمایشگاهی از طرحها و عکس های ضدا مپریالیستی در محله ساغریزان رشت برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی این محله قرار گرفت.

### دهقانان می نویسند:

کشاورزان قریه تره - تنگده طولگیلان، با ارسال نامه های به اداره آبیاری شهرستان هشترطوالشخواستار حفر چاه نیمه عمیق در این روستا شدند. در این نامه آمده است: "بسمه تعالی ریاست محترم اداره آبیاری هشترطوالشخواستار ما کنندگان زیر از کشاورزان مستضعف و بی زمین و کم زمین روستای تره تنگده طولگیلان بوده، که در زمان رژیم منفور طاغوتی گذشته جز فقر و دربدری نصیبی ندا شتیم و با آنکه کشاورز بودیم ولی زمین ندا شتیم. به شکر خدا و ند بعد از انقلاب شوکمند میهنمان بر رهبری قاطع امام خمینی، زمین های را که در مجاورت روستای ما، یکی از طاغوتیان به اسم دکتر مستوفی تحت عنوان مجتمع "حفظ آباد" بناحق تصرف کرده بود، باینابه رهنمودهای امام خمینی و آبیاری شورای واگذاری زمین استان گیلان جهت تقویت و ترویج کشا ورزی و دست یابی به استقلال کشورمان بین کشا ورزان محروم و زحمتکش تقسیم گردید. ولی به علت کمبود آب نتوانستیم همه این زمینها را زیر کشت برنج که مناسب شرایط آب و هوایی منطقه و نیازهای مملکتی است، بپریم. در نتیجه به کشت توتون و صیفی جات رو آوردیم، که نه تنها منطبق با شرایط مملکتی از نظر اقتصادی و زمان جنگ با کفا رعیتی نیست بلکه به ضرر خود و خانواده مان نیز تمام میشود. اکنون که امام امت خمینی بزرگ و امید محرومان امر فرموده اند تا برای تقویت انقلاب اسلامی و پشت جبهه زمین ها را بدون کشت نگذا ریم و از آنجایی که در این زمینها نیز چند حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق وجود دارد که احتیاج به تعمیر و راه اندازی دارد، خواهشمند است به دردم رسیدگی فرموده و اقدام لازم را مبذول دارید تا با مسئله کم آبی و سی آبی روبرو نبوده، زمین ها را به فرمان رهبر انقلاب کاشته و شت محکمی بردمان تجا و زکاران و اربابش شیطان بزرگ آمریکا بکوبیم.





# صحنه

## سلاخی، فیلم انقلابی «دختر کماندو» را در تهران، به یک فیلم حادثه‌ای مبدل کرد

واردکننده فیلم، یا حلق تقریباً همه صحنه‌های انسانی و انقلابی فیلم «دختر کماندو» را به یک فیلم حادثه‌ای تبدیل کرده، که در آن تنها زد و خورد و تیراندازی باقی مانده است!

فیلم «پنج دختر کماندو» که اخیراً در چهار سینمای تهران به نمایش درآمد، گرچه دیگر شباهت چندانی به اصل آن نداشته بر اساس رمان معروف بوریس واسیلیف، به نام «شفقها اینجا را می‌سازند...» ساخته شده، که به زبان فارسی هم‌نشریافته است. فیلم مزبور که بی‌شک یکی از بهترین آرزوهای انسانی و آرمان‌های انقلابی است، در غالب کشورهای جهان و از جمله در برخی از کشورهای اروپای باختری به نمایش درآمد و با استقبال کم‌نظیری مواجه شده است.

فیلم «پنج دختر کماندو» که در تهران به نمایش گذاشته شد، حدود یک ساعت از اصل فیلم را کم داشت و درست به همین دلیل، بی‌تفاوتی سینما...



دوستان رادریی داشب - این مورد، که نظایر قبلی و بعدی آن نشان‌دهنده «یک سنت زشت و ناپسند در میان و پخش - کنندگان فیلم است، به عنوان یک نمونه عبرت‌آموز قابل بررسی است:

اندیشه حاکم بر ساختار

## «میلا - حزب کار»

### پیشاهنگ خلق آنگولا

### درواه ساختمان سوسیالیسم

بمناسبت بیستمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه در آنگولا

راهبر جامعه ارتقا یابد. این روند دیرپا، بادشوارهای جندروبروست. در این گستره، باید، درد رجه نخست، از شماره نسبتاً کثیر به‌سوادان و سکنه روستایی نام بزد. برخی پدیده‌های قبیله‌گرایی و ناسیونالیستی نیز هنوز سد راه پیشرفت بشمار می‌رود.

در گزارش کمیته مرکزی حزب به کنگره، از برخی از دشواری‌ها و نارسایی‌های اقتصادی نیز نام برده می‌شود. از سوی دیگر، در زمینه بهره‌وری‌های اقتصادی، یادآوری می‌گردد، که تولید الماس چهار برابر افزایش یافته است. آنگولا در دو سال اخیر ۲۲۱۴ تراکتور و دیگر ماشین‌های کشاورزی و ۲۰۳۴۰۰ تن کود کانی تولید کرده است.

ادوارد دوش سانتوش، در گزارش خود، یادآور شد که بهبود شرایط زندگی مردم تنها در برتو افزایش بارآوری کار امکان‌پذیر است. وی در زمینه مسائل بین‌المللی گفت:

«میلا-حزب کار» خود را بخشی فعال و گسست‌ناپذیر از جنبش نیروهای مترقی و انقلابی می‌داند، که دوش-بف دوش احزاب برادر و کشورهای سوسیالیستی علیه استثمار و سزوکوب و در راه عدالت و پیشرفت اجتماعی می‌روند.

#### از تاریخ «میلا-حزب کار» آنگولا

۱۹ آذر ۱۳۳۵: پایه‌گذاری «جنبش خلق برای آزادی آنگولا» («میلا»)، به رهبری دکتر آگوستینو نتو.

۱۵ بهمن ۱۳۳۹: مبنی دوستان آنگولا به زندان لوآندا حمله می‌برند و، بدین ترتیب، مبارزه مسلحانه را علیه استعمارگران پرتغال آغاز می‌کنند.

۲۵ آبان ۱۳۵۴: «میلا» پس از نزدیک به ۵۰۰ سال سلطه استعماری، استقلال سیاسی و تشکیل «جمهوری خلق آنگولا» را اعلام می‌دارد.

۷ فروردین ۱۳۵۵: پیروزی بر تجاوز امپریالیست‌ها و نژادپرستان پیش از این، نیروهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی کوشیده بودند، تا به باری مزدوران کشورهای «ناو» و «کرو» های ترقه‌افکن و وابسته به امپریالیسم و پکن - «اونیتا» و «فلا» - کشور را به جنگ داخلی بکشاند.

۱۹ آبان ۱۳۵۵: سومین پلنوم کمیته مرکزی «میلا» تصمیم می‌گیرد که تبدیل «جنبش» را به حزبی مارکسیستی - لنینیستی اعلام دارد.

۶ خرداد ۱۳۵۶: کوشش برای کودتایی ضد انقلابی در هم شکسته می‌شود.

۱۹ آذر ۱۳۵۶: برگزاری نخستین کنگره «میلا» و تشکیل «میلا - حزب کار» آنگولا در ۱۹ آذر.

۲ اردیبهشت ۱۳۵۷: آغاز گزینش و پذیرش عضو و نامزد از سوی «حزب» («جنبش اصلاح»). این کارزار وسیع در چندین نشست کمیته مرکزی و سمینار ملی «حزب» (تابستان ۱۳۵۷ در لوآندا پاییز ۱۳۵۷ در اوئیگه، بهار ۱۳۵۸ در لوانگو، پاییز ۱۳۵۸ در لوبیتو) مورد بررسی و تدارک قرار می‌گیرد.

۲۶ آذر تا ۲ دی ۱۳۵۹: نخستین کنگره فوق‌العاده «میلا - حزب کار».

دربش از سه سالی که از پایه‌گذاری «میلا-حزب کار» آنگولا می‌گذرد، همواره بر توان این حزب افزوده شده و حزب نامبرده توانسته است هر چه بیشتر و بهتر نقش رهبری خود را ایفا کند.

نخستین کنگره فوق‌العاده «میلا-حزب کار»، که چندی پیش در لوآندا برگزار شد، این واقعت را بار دیگر به‌شوت رسانید. چهارصد و شصت و چهار نماینده این کنگره، که از ۱۸ استان کشور به پایتخت آمده بودند، پس از بحث‌های جامع پیرامون اوضاع لوآندا، قطعنامه‌های گوناگونی را در باره کار سیاسی - ایدئولوژیک، رشد اقتصادی - اجتماعی «جمهوری خلق آنگولا» تا سال ۱۳۶۴، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و مسائل دفاعی و امنیتی کشور تصویب کردند.

چنانکه ادوارد دوش سانتوش، صدر «میلا-حزب کار» و رئیس جمهوری خلق آنگولا در سخنرانی پاهانی خود یادآور شد، کنگره در اسناد خویش (کنگره تصمیم گرفت که گزارش کمیته مرکزی را بعنوان سند اصلی خود اعلام دارد) برنامه «میلا-حزب کار» را برای مقابله با میراث شوم استعمار و سرمایه‌داری و در راه تحول سوسیالیستی کشور در سال‌های آینده ارائه داشته است.

نمایندگان نخستین کنگره فوق‌العاده «میلا-حزب کار»، پس از تراز بندی تحول اجتماعی - اقتصادی «جمهوری خلق آنگولا» در سال‌های ۵۹-۱۳۵۷، به بررسی وظایف آتی «حزب» در زمینه ایجاد شرایط اجتماعی - سیاسی و فنی - مادی ساختمان سوسیالیسم در کشور خویش پرداختند.

حتی در جریان تدارک کنگره «میلا - حزب کار»، یعنی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری کمونیستی‌های آنگولا، پیروزی‌های ایدئولوژیک و سازمانی «حزب» در همه زمینه‌ها به چشم می‌خورد. برای نمونه، در سرشت پروتزی «حزب»، از نظر ساختار اجتماعی، تحول مثبت پدید آمد. به گفته ادوارد دوش سانتوش، «میلا-حزب کار» اینک ۳۱ هزار عضو و نامزد دارد، که ۵۱ درصد آن‌ها را کارگران صنعتی و کشاورزی تشکیل می‌دهند. «حزب» ۲۷۶۵ گروه و ۶۵ کمیته را در بر می‌گیرد.

در گزارش کمیته مرکزی به کنگره، ضرورت افزایش پیوسته سطح آگاهی «حزب» یادآوری می‌شود.

«میلا-حزب کار» برای بهبود کار سیاسی - ایدئولوژیک خود در میان مردم، به تدابیر مشخصی دست زده است. برای نمونه، در نظر است که تیراز ارگان مرکزی «حزب» به ۲۰۰ هزار نسخه در روز افزایش یابد. از سوی دیگر، قرار است «حزب» به انتشار یک هفته‌نامه بولتن تبلیغاتی بپردازد. بولتن تبلیغاتی «حزب» که «نوو میرو» نام دارد، نخست هر دو هفته یک بار و سپس هر هفته منتشر خواهد شد. تا پنج سال دیگر خبرگزاری رسمی آنگولا، «انگوب»، از فرستنده‌ها و گیرنده‌های مدرن بهره‌مند خواهد گردید.

هدف از گسترش همه‌جانبه اشکال کار توده‌ای سیاسی آنست که، طبقه کارگر هر چه زودتر به نیروی سیاسی

#### پنج دختر کماندو

نام اصلی فیلم: طلوع در اینجا آرام است

بر اساس داستانی از: بوریس واسیلیف

کارگردان: استانیسلاو روستوئسکی

بازیگران: ندرتی مارتینوف، ایریناشوچوک، اولگا اوسترومووا، ایرینادولگانووا و...

محصول: استودیو گورکی (اتحاد شوروی)

مدت اصلی فیلم: قریب سه ساعت

مدت فیلم در تهران: کمتر از دو ساعت

است. فیلم‌های مبتذل غربی به دلیل فقدان چنین محتوایی خود به خود از چنین تعرضی در - اما مانند اما فیلم‌های اجتماعی و انقلابی، با از دست دادن بافت داستانی منسجم و حساب - شده، سیر منطقی و معقول حوادث و بالاخره پیام انسانی خود، تمام ارزش‌های اجتماعی و زیبایی‌شناختی خود را به عنوان یک کل هنری از کف می‌دهند. این درست بلایی است که بر سر فیلم «و شفقها اینجا آرامند» آمده است.

این فیلم بزرگ سه ساعته با بیانی به راستی گیرا، تماشاگر را با عواطف، احساسات و علائق یکا یک قهرمان‌های محبوب و جذاب خود درگیر می‌سازد. بدان سان که در پایان، با قتل فجیع و قهرمانانه آنان، رعشه‌ای عاصی و خشم‌آلود از دفاشیم بر بیگر تماشاگر چیره می‌شود.

فیلم «پنج دختر کماندو» با حذف زمینه‌ها را تا یک اثری که در اصل از نظر ارتباط عاطفی پرداخت نمایشی و انسجام و بقیه در صفحه ۷

#### چرا امر ملی ...

همکاری، بتوان از این بازاری توانادر جهت توسعه اقتصادی کشور به نحوی شایسته استفاده کرد. به خصوص آن چه که وقوع آن، پس از ملی کردن بانکها، انتظار می‌رفت آن بود که، به نقش مستقل بانکها در مقابل واحدهایی چون سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنایع و وزارت امور اقتصادی و دارایی، پایان داده شود و سیاست اعتباری آنها با برنامه‌های اقتصادی کشور همگام گردد.

متأسفانه این انتظار برآورده نشد، زیرا جریان ملی کردن بانکها در نیمه راه متوقف ماند و تنها به اعلام ملی کردن و تغییرات سطحی در مدیریت و تعداد بانکها اکتفا گردید، حال آنکه لازم بود هر چه زودتر امر ملی کردن بانکها، با توسل به اقدامات لازم، به پایان می‌رسید، تا بانکها، هم‌گام با نیازهای دوران بعد از انقلاب، سیاست اعتباری خود را، به تبع برنامه‌های اقتصادی دولت، تنظیم کنند و به عنوان امری قوی در جهت توسعه اقتصادی کشور، مورد استفاده قرار گیرند.

به نظر ما، به منظور به پایان رساندن جریان ملی کردن بانکها، اجرای پیشنهادی زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- ادغام بانک‌های موجود و تشکیل

۲- بانک به شرح زیر:

۳- بانک کشاورزی و تعاونی کشاورزی،

۴- بانک تجارت خارجی به منظور اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی،

۵- بانک سرمایه‌گذاری، که وظیفه آن سرمایه‌گذاری در کلیه رشته‌ها و پرداخت اعتبار به آن‌ها به تبع سیاست اقتصادی کشور و برنامه‌های دولت است.

بسیار از صفحه ۳

پس از چندی، اقدام دیگری در زمینه بانکداری، از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی وقت به عمل آمد که مانند اقدامات قبلی، تنها در شکل ظاهری بانکداری تغییراتی را موجب شد. توضیح آن که، شعب بانک صادرات در مناطق خارج از تهران تبدیل به بانک‌های استان گردیدند. سرمایه هر بانک استان ۴۰۰ میلیون ریال تعیین گردید و مجمع عمومی آن‌ها با شرکت اشتاندار، مدیران کل واحدهای دولتی در هر استان و روسای اطاق بازرگانی استان تشکیل گردید. علاوه بر این، از بانک‌های تجاری ملی شده، «بانک - تجارت» و «بانک ملت» به وجود آمد و از «بانک توسعه صنعتی و معدنی» و «بانک اعتبارات صنعتی»، «بانک صنعت»، تشکیل شد. با ادغام صندوق‌های پس انداز مسکن در «بانک رهنی»، «بانک مسکن» را ایجاد کردند. «بانک کشاورزی و تعاون روستایی» را در اختیار گرفتند. «بانک توسعه کشاورزی» که امکان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، لازم به یادآوری است که «بانک ملی» و «بانک سپه» نیز هم‌چنان با همان شبکه و وظایف به کار مشغول هستند.

انتظار می‌رفت که ملی کردن بانکها باعث بروز تغییرات اساسی در بانکداری کشور، هم از نظر مدیریت، هم از باب تعداد و شبکه بانکها و بالاخره از حیث سیاست اعتباری و شیوه‌های بانکی گردد تا مردم با اعتمادی بیش از گذشته، با آن همکاری کنند و در اثر این

مدیران که، به هر دلیل، از انجام وظایف خود عاجز مانده‌اند. پس از انتخاب مدیران لایق برای بانکها، باید بر اساس لایحه جدید بازاری نیروی انسانی، به دور از هرگونه حب و بغض، وضع کارکنان بانکها نیز مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد تا دست‌خدا - انقلاب از بانکداری کشور کوتاه نگردد. شایان ذکر است که این پیشنهادها تنها زمینه‌ای است برای بررسی همه جانبه مسئله مهم نقش و وظیفه بانکها در اقتصاد کشور، که امیدواریم مورد توجه دولت قرار گیرد.

عموم قرار دهد، تا معلوم شود که ملی کردن بانکها چه تاثیری در وضع آن‌ها داشته و نتیجه نظارت شورایی بانکها بر بانکها چه بوده است. علاوه بر این، تشکیل مجمع عمومی برای هر یک از بانکها، ضرورت دارد و لازم است که هر چه زودتر اعضای مجمع عمومی هر بانک به وسیله دولت تعیین شوند و این مجمع جانشین شورایی بانکها گردند.

۶- رسیدگی دقیق و عادلانه به وضع مدیران بانکها و انتخاب مدیران وفادار به انقلاب و بصیر بجای آن تعداد از







# رسیدگی به فعالیت مدیران شرکتهای پیمانکاری ضروری است

با پیروزی انقلاب ایران، گروه بزرگی از کلان سرمایه داران و طاقوتیان، به همراه ثروتهای هنگفتی که از دسترنج مردم ایران بغارت برده بودند، کشور را ترک کردند و پدیمان اربابان امیریالیست خود شتافتند. در میان این گروه، عدهای از صاحبان و سهامداران شرکتهای پیمانکاری قرار داشتند.

تعداد این قبیل شرکتهای پیمانکاری، منابع عظیم دریافتی شان از بانکها و نیز از دستگاههای مختلف زمان طاغوت، حجم برنامه هائی که در دست اجرا داشتند و سرانجام تعداد کارکنان پلان تکلیف این شرکتهای، یکی از مشکلات جدی اقتصادی بعد از انقلاب بود.

دولت موقت برای حل این مشکلات، اقدام به گماردن مدیران عامل بر راس این شرکتهای کرد. اکثریت مدیران این شرکتهای در اولین گام کار خود، بدون توجه به استفاده از امکانات شوراهای متشکله کارکنان این شرکتهای و نیز بدون پاکسازی و تصفیه عوامل ضدانقلاب، اقدام به استخدام افراد مورد نظر خود در این شرکتهای کردند. در همانحال اقدامات جدی و فوری برای براندازی این شرکتهای بعمل نیامدند و اقدامات جزئی انجام شده در این زمینه نیز تنها پس از فشارهای فراوان شوراهای کارکنان این شرکتهای که با علاقمندی و دلسوزی در بکار انداختن پروژههای تعطیل شده کوشا بودند، صورت

گرفت. این اقدامات جزئی در برآیندناختن و شروع مجدد کار پروژههای این شرکتهای، بدون انجام بررسیهای لازم صورت گرفت. به طوری که به فاصله مدت کوتاهی مشکلات فراوانی در کار شرکتهای بوجود آمد. مدیران این شرکتهای تصمیم گرفتند که به تشکیل شوراهای هاستگی مدیران منتخب اقدام کنند. وظیفه عمده این شورا، چنانکه در ادامه کارش بوضوح روشن شده، تعیین چگونگی مبارزه با شورشهای کارکنان، چگونگی کسب اعتبارات اضافه و نحوه معوق گذاردن بدهیها و پرداختها بوده است.

عملکرد اکثریت این شرکتهای، که در حال حاضر شامل ۵۳ شرکت معظم پیمانکاری هستند، بطور کلی نه تنها در جهت حل مشکلات مهم انقلاب در این زمینه نبوده، بلکه در مواردی باعث بوجود آمدن مشکلات بزرگتری نیز شده است. اینک با توجه به این عملکردها و مسائل متعدد مطرح شده در این زمینه، ضروری است که هر چه سریعتر به کار مدیران منتخب دولت موقت در شرکتهای پیمانکاری رسیدگی دقیق بعمل آید و از ادامه روند بی عملی در کار پروژههای این قبیل شرکتهای جلوگیری شود. این کار نیز با تکیه بر شوراهای کارکنان این شرکتهای، که تاکنون نشان داده اند که با دلسوزی و علاقه زیاد، خواهان برآیندناختن مجدد این پروژهها هستند، باید انجام شود.

## گسترش فعالیت ضدانقلاب در ماسال و شاندرمن

عوامل ضدانقلاب در ماسال و شاندرمن به فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران مشغولند و به اشکال مختلف علیه انقلاب تبلیغ میکنند. براساس اطلاعات رسیده، فتوادلها، ساواکرها و مائوئیستهای آمریکائی، که مستقیماً در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند، یا سوء استفاده از اشتباهات و درگیری بین نهادهای مملکتی، به سیمایشی بین مردم ماسال و شاندرمن مشغولند و سعی در جدایی صفوف مردم از هم دارند. یکی از زمینههای اصلی بیروم برداری این ضدانقلابیون، شیوه برخورد برخی از مقامات مسئولین مشکلات و رویدادهای این منطقه است. برای مثال وقتی که دهقانان منطقه براساس سخنان صریح رهبر انقلاب و همچنین آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی و سایر مقامات مسئول، علیه فتوادلسم و نیز برای احقاق حقوق خود مبارزه می کنند، بالعکس العمل نامناسب حاکم شرع منطقه و یا ناپیگیری برخی مقامات دولتی در محل روبرو می شوند، که این مسئله باعث دلسردی آنان می شود. ضدانقلابیون نیز از این وسیله علیه انقلاب استفاده میکنند و پد تحریک و توطئه می پردازند.

لازم به توضیح است که اخیراً زمینه تشکل دهقانان ماسال و شاندرمن علیه ضدانقلاب فراهم آمده است. تنها بر مقامات مسئول

است که با استفاده از این نیروی وسیع و پامسنگونی به نیازهای دهقانان منطقه، جبهه انقلاب را قوی کنند و پروژه ضدانقلاب را به خاک بمانند. ما توجه مقامات مسئول را به این نکته پراهمیت جلب می کنیم و در مورد گسترش فعالیت ضدانقلاب به آنها هشدار می دهیم.

## رویدادهای جهان

### جلوگیری از فروش نامه مردم در فیروزکوه

آورد. بر همین اساس اخیراً چند تن از هواداران حزب توده ایران هنگام فروش نامه مردم دستگیر شدند و نشریات آنها توقیف گردید.

بدنبال پیگیری این مسئله و مراجعه به مسئول سپاه پاسداران، وی به شیوه ای غیرمستولانه با رفتاری ما برخورد و تاکید کرد که «حکم رئیس دادگاه انقلاب اسلامی فیروزکوه برای من هیچ ارزشی ندارد» و حتی اگسر شخص آقای دوزدوزانی هم چنین حکمی را صادر کند، تا من در این شهر هستم، اجازه فعالیت به شما نمی دهم».

ما ضمن اعتراض به این عمل غیر قانونی، توجه مقامات مسئول را به این موضوع جلب می کنیم و به مسئول سپاه پاسداران فیروزکوه نیز گوشزد می کنیم که رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران عین حمایت از انقلاب ایران و نشان دهنده پای بندی به آن است. کسانی که این قوانین را اجرا نمی کنند، دانسته یا نادانسته به ارکان جمهوری اسلامی ایران لطمه می زنند. بر مجریان این قوانین است که حرمت قوانین را نگاهدارند.

بازچود صدور حکم دادگاه انقلاب اسلامی فیروزکوه، مبنی بر رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت قانونی هواداران حزب توده ایران در این شهر، از فروش نشریه نامه مردم در این منطقه جلوگیری به عمل می آید.

براساس حکم دادگاه انقلاب اسلامی فیروزکوه که پیرو نامه وزارت ارشاد اسلامی در مورد آزادی انتشار نامه مردم صادر شد، فعالیت هواداران حزب توده ایران در این منطقه، مانند سایر نقاط کشور قانونی است، لکن مسئول سپاه پاسداران فیروزکوه این حکم را قبول ندارد و به اشکال مختلف از فعالیت هواداران حزب توده ایران در فیروزکوه جلوگیری بعمل می-

## حمله به نمایشگاه توطئه های آمریکا در فومن

اعضاء و هواداران سازمان، نقشه شوم آنها را خنثی کرد.

ما ضمن اعتراض شدید به اینگونه اعمال، که صرف نظر از نیت عاملان، بسود ضدانقلاب است، از مسئولین امر می خواهیم که مسیبن این حمله را مورد بیگرد قرار دهند.

حیرت زده تماشاچیان صورت گرفته بود، با اعتراض عمومی مواجه شدند. از قرار معلوم عده ای دیگر هم در اطراف نمایشگاه آماده بودند که در صورت بروز واکنش تند از طرف اعضاء و هواداران سازمان، جوانان توده ایران، مداخله کنند و شهر را به آشوب بکشانند. ولی عکس العمل منطقی و خون سردانه

نمایشگاه عکسی که در زمینه انضای توطئه های امپریالیسم آمریکا، تجاوزات رژیم صدام حسین و انضای لیرالها، در تاریخ هفتم بهمن ماه ۵۹ از طرف سازمان جوانان توده ایران در شهر «فومن» برگزار شده بود، مورد حمله قرار گرفت.

این نمایشگاه، که با استقبال فراوان مردم این شهر مواجه شده بود، درست چند ساعت بعد از تشکیل، مورد حمله قرار گرفت. حمله کنندگان، که در پیشانی آنها شخصی به نام «حسن زاده» قرار داشت، با چاقو پوسترا و شکسهای نمایشگاه را پاره کردند. این عمل، که در مقابل چشمان

## شرکت مستقیم واشنگتن در کشتار مردم السالوادور

در سازمان عمده مبارزان علیه رژیم خونخوار السالوادور، ایالات متحده آمریکا را به شرکت مستقیم در کشتار خلق السالوادور متهم کرده اند.

در اعلامیه «جبهه دمکراتیک انقلابی» حقایق تکذیبناپذیری درباره شرکت تفنگداران دریایی آمریکا در عملیات سفاکانه خوتای جنایتکار السالوادور فاش میشود. این اعلامیه خاطر نشان می سازد که هواپیماهای باربری ایالات متحده هر روز سلاحهای بیشتری به السالوادور می آورند. واشنگتن، با تفاق رژیم های گواتمالا و هندوراس، طرحی را برای تجارز به السالوادور تهیه کرده است.

از سوی دیگر، «جبهه آزادی ملی - فارابوندمارتی» یادآور شده است که واشنگتن با مسلح کردن خوتای السالوادور «به صدور قهر به السالوادور» دست میزند.

## انتخابات پارلمان آفریقای جنوبی دوسال زودتر برگزار میشود

انتخابات پارلمانی آفریقای جنوبی دوسال زودتر از موعد مقرر برگزار می شود.

این خبر، که توسط «یتروپوکه» نخست وزیر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، اعلام شده، نشان دهنده بحران عمیق اجتماعی سیاسی است که این رژیم را دربر گرفته است. این بحران بدنبال اعلام اصلاحاتی در زمینه سیاست نژادی بوجود آمده است. این اصلاحات با اینکه در اساس «آپارتاید» تغییر نمی دهد، با مخالفت بخشهای ارتجاعی پارلمان مواجه شده است. احزاب مخالف نیز برای ایجاد دگرگونی واقعی دولت را مورد حمله قرار داده اند.

حزب حاکم (حزب ناسیونالیست) چنانکه ناظران سیاسی می گویند برای رهایی از این بحران، انتخابات را جلو انداخته است، تا مواضع خود را در پارلمان تحکیم کند و به تفرقه در صفوف اردوگاه نژادپرستان پایان دهد.

با اینهمه، انتخابات زودتر از موعد هم نخواهد توانست به بحران دولت نژادپرست آفریقای جنوبی پایان دهد. بحران این کشور تنها با سرنگونی رژیم نژادپرست و روی کار آمدن یک دولت خلقی امکان پذیر است.

## حزب کمونیست ژاپن از استقرار جنگ-آزمایشگاه های هسته ای آمریکا در خاک ژاپن پرده بر میدارد

نمایندگان حزب کمونیست ژاپن در کنفرانس مطبوعاتی، که در توکیو برگزار شده، اسنادی را فاش کردند که از استقرار جنگ افزارهای هسته ای ایالات متحده آمریکا در ژاپن حکایت دارند. بگفته این نمایندگان، یکی از یگانهای ویژه مجهز با این سلاحها در پایگاه نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در «ایواکولی» مستقر است.

## گشایش اجلاس سالیانه «کمیسون حقوق بشر» در ژنو

روز ۱۳ بهمن ۵۹، اجلاس سالیانه «کمیسون حقوق بشر» سازمان ملل متحد، با شرکت نمایندگان ۴۳ کشور جهان، در ژنو گشایش یافت.

این اجلاس موارد نقض حقوق بشر را در جمهوری آفریقای جنوبی، در سرزمینهای اشغالی اعراب از سوی اسرائیل و در شیلی بررسی خواهد کرد.

یکی دیگر از مواد دستور جلسه اجلاس ژنو، اجرای مقارله نامه بین المللی درباره «آپارتاید» است، که ایالات متحده آمریکا و همپیمانان آن همچنان از امضای آن خودداری می ورزند.

## رویدادهای جهان

### حمله مجدد ریگان به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

روالد ریگان در مصاحبه با چند روزنامه نگار آمریکائی اعلام کرد که آمریکا نمی بایست برای آزادی «گروگانها» مذاکره می کرد، بلکه مریایست اولتیماتوم میداد. ریگان گفت که بازداشت «گروگانها» یک «اقدام جنگی» بود و «گروگان گیرها» «آدم ربا» هستند.

نماینده جدید انصارات امپریالیستی در کاخ سفید گفت که برای حفظ صلح و ثبات در خلیج فارس (منظور ثبات برای ادامه غارت و چهارل ثروتهای خلقهای منطقه است) حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس لازم است.

ریگان طبق معمول یاره های مربوط به باصطلاح خطر شوری را نیز برای توجیه خطر نظامی آمریکا تکرار کرد.

بدینسان، ریگان چهره تجاوزکار و غارتگر امپریالیسم آمریکا را بدون «بزرگ» نشان میدهد.

## تشدید ترور و پیگرد علیه میهن دوستان شیلی

طی روزهای اخیر در پایتخت شیلی، بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شده اند. در کویهای کارگرتشین سانتیاگو و در شهرهای دیگر، ماموران امنیتی به بازداشتهای جمعی پرداخته اند. عده زیادی از دانشجویان، کارگران و نمایندگان محافل دمکراتیک و روحانیون به زندان افکنده شده اند. موج جدید بازداشت بخشی از نقشه های دارو دسته حکومت فاشیستی است که هدفش سرکوب اپوزیسیون در آستانه انتخابات قلابی است. این انتخابات قلابی را دارو دسته فاشیستی حاکم بر کشور، برای دادن چهره قانونی به حکومت پیتوشه، به جلاد مردم شیلی، تدارک می بینند.

نلمه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست)

**NAMEH MARDOM**

No. 437  
5 February 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹  
منطقه ۱۴ پستی تهران